

Identifying and prioritizing components and indicators of educational inequality in elementary schools

Moslem Piri zamaneh* | Ph.D. in Educational Administration, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abass Abasspuor | Professor, Educational Administration Dept., Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Hamid Rahimian | Associate Professor, Educational Administration Dept., Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

This research was conducted with the aim of identifying and prioritizing indicators of educational inequality in primary schools in Tehran and it is an exploratory type of research. The statistical population under investigation is all public primary schools in Tehran. The statistical sample in the qualitative section includes 14 experts and experts in the field of public education who were selected by snowball sampling. Data collection tools include semi-structured interview, researcher made checklist. The results showed that the educational inequality at the level of primary schools in Tehran includes 7 comprehensive themes and 28 organizing themes, which are: input component including 4 indicators, school process component including 6 indicators, family background component including 6 indicators, output component including 8 indicators, individual background of inequality including 4 indicators, social and political effects of inequalities in education including 4 indicators, geographical indicators. Also, in terms of the influence of components and indicators on increasing inequality, the first priority is the economic conditions of families, the second priority is educational facilities and space, the third priority is the social status of families, the fourth priority is geographical indicators, the fifth priority is the level of accessibility and The amount of benefit from education, and the next priorities in the order of human resources (good teachers), family cultural capital, students' educational aspirations, small family population, school management, parents' expectations and aspirations, parents' educational status, educational progress, the acceptance status of students in model schools, sports, cultural and scientific authorities, the handling of educational trustees, the education of descent, the level of attention of teachers to students, attention to the quality of education.

Keywords: educational inequality, inequality indicators, equality of educational opportunities, primary schools.

*Corresponding Author: moslempiri1984@gmail.com

How to Cite: Piri Zamaneh, M., Abasspuor, A., & Rahimian, H. (2023). Identifying and prioritizing components and indicators of educational inequality in elementary schools. *Research on Educational Leadership and Management*, 7(25), 47-76. doi: 10.22054/jrlat.2023.71290.1630



شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌های نابرابری آموزشی در مدارس دوره ابتدایی

دکتری رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران	مسلم پیری زمانه *
استاد گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران	عباس عباس پور
دانشیار گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران	حمید رحیمیان

چکیده

این تحقیق با هدف شناسایی و اولویت‌بندی شاخص‌های نابرابری آموزشی در مدارس ابتدایی شهر تهران انجام شده و از نوع پژوهش‌های ترکیبی از نوع اکتشافی است. جامعه آماری مورد بررسی کلیه مدارس ابتدایی دولتی شهر تهران بوده است. نمونه آماری در بخش کیفی شامل ۱۴ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران حوزه آموزش عمومی که به شیوه نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند. ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات شامل مصاحبه نیمه ساختاریافته، چک‌لیست محقق ساخته است. نتایج نشان داد که نابرابری آموزشی در سطح مدارس ابتدایی شهر تهران شامل ۷ مضمون فراگیر، ۲۸ مضمون سازمان دهنده است که عبارت‌اند از: مؤلفه درون‌داد شامل ۴ شاخص، مؤلفه فرایند مدرسه شامل ۶ شاخص، مؤلفه زمینه خانوادگی شامل ۶ شاخص، مؤلفه برون‌داد شامل ۸ شاخص، زمینه فردی نابرابری شامل ۴ شاخص، تأثیرات اجتماعی و سیاسی نابرابری‌ها در آموزش و پرورش شامل ۴ شاخص، شاخص‌های جغرافیایی. همچنین از نظر میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌ها و شاخص‌ها بر افزایش نابرابری اولویت یکم شرایط اقتصادی خانواده‌ها، اولویت دوم امکانات و فضای آموزشی، اولویت سوم وضعیت اجتماعی خانواده‌ها، اولویت چهارم شاخص‌های جغرافیایی، اولویت پنجم میزان دسترسی و میزان بهره‌مندی از آموزش و اولویت‌های بعدی به ترتیب منابع انسانی (معلمان خوب)، سرمایه فرهنگی خانواده، آرزوی تحصیلی دانش‌آموزان، جمعیت کم خانواده، مدیریت مدرسه، انتظارات و آرزوهای والدین، وضعیت تحصیلی والدین، پیشرفت تحصیلی، وضعیت قبولی دانش‌آموزان در مدارس نمونه، مقام‌های ورزشی، فرهنگی و علمی، رسیدگی متولیان آموزشی، آموزش تبارگرایی، میزان توجه معلم به دانش‌آموزان، توجه به کیفیت آموزشی هستند.

کلیدواژه‌ها: برابری فرصت‌های آموزشی، شاخص‌های نابرابری، مدارس دوره ابتدایی، نابرابری آموزشی

مقدمه

در سه دهه گذشته، کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، با فراز و نشیب فراوانی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی مواجه بوده‌اند. در رویارویی با بسیاری از چالش‌های بالقوه آینده، سیستم آموزشی به‌عنوان سرمایه‌ای ضروری در تلاش برای تحقق اهداف مربوط به توسعه، تلقی شده و مهم‌ترین ابزار موجود برای پیشبرد برنامه‌ها و واقعیت‌بخشیدن به آرمان‌های هر ملت محسوب گردیده است. در آغازین سال‌های قرن جدید، ضروری است که همه انسان‌ها مسئولانه به اهداف و ابزار تعلیم و تربیت توجه کنند. چالش‌های بزرگ در تمامی ابعاد وسیع جامعه، چشم‌اندازی از ضرورت مدیریت و برنامه‌ریزی را به ما نشان می‌دهد. چگونه ممکن است این چالش‌های بزرگ، توجه سیاست‌گذاران آموزشی را جلب نکند؟ برای رسیدن به این هدف، باید مسائل و چالش‌های پیش روی آموزش و پرورش را بشناسیم و بر آنان فائق آییم، یکی از این مسائل، برابری آموزشی است. رسالت اصلی آموزش و پرورش، توان‌بخشیدن به فرد انسان‌ها در جهت توسعه کامل استعدادها و نیز شناخت توانمندی‌های خلاق خویش است و این هدف بر سایر اهداف آن، ارجحیت دارد. حصول این هدف هر چند دشوار و طولانی است، اما در جهت جستجوی جهانی عادلانه‌تر و بهتر برای زیستن، ضروری محسوب می‌شود (پورپاکی، ۱۳۹۳).

آموزش مبنای توسعه است و سرمایه‌های انسانی^۱ در دنیای امروز ارزشی گران‌بهارتر از ثروت‌های طبیعی و زیرزمینی پیدا کرده‌اند، این از آن‌روست که انسان‌های دانا و توانا سرمایه‌های حقیقی و واقعی هر کشور را تشکیل می‌دهند، چراکه منبع پایدار هر جامعه، نیروی انسانی آن است که از لحاظ فکری، عاطفی و اجتماعی تربیت شده باشد (فلاحی، ۱۳۸۸). پایه تربیت و آموزش و به فعل درآوردن استعدادهای جوانان از طریق آموزش و پرورش با کیفیت و برخوردار صورت می‌پذیرد. بنابراین می‌بایست قسمت عمده‌ای از سرمایه‌گذاری کشورها معطوف آموزش نیروی انسانی شود زیرا که با بالا رفتن توان نیروی انسانی از طریق آموزش شاهد رشد و توسعه چشم‌گیر کشور در همه زمینه‌ها خواهیم بود؛ بنابراین چگونگی توزیع آموزش و پرورش اهمیت دارد. هر جا که نابرابری‌های آموزشی به‌حداعلای خود برسد آهنگ توسعه نیز کاهش پیدا خواهد کرد؛ اما گسترش همگن و برابر

مراکز آموزشی بزرگ‌تری تعامل مهم در جهت توسعه مناطق خواهد گردید (موسوی و حسنی، ۱۳۹۰).

نابرابری فرصت‌های آموزشی به‌عنوان تأثیر وضعیت اجتماعی-اقتصادی دانش‌آموزان بر عملکرد تحصیلی آنان تعریف می‌شود. یکی از ویژگی‌های مهم سیستم‌های آموزشی درجه‌ای است که سیستم برخورداری و موفقیت دانش‌آموزان متعلق به طبقات بالای اجتماع را افزایش می‌دهد (Horn, 2010). این تعریف از نابرابری مطابق با تعریف مطالعات pizza (2004) و نویسندگانمانند (2004) Ammermuller، (2004) Bishop and mane و (2005) Marks و (2006) Brunello and Checchi است. در این رویکرد فرض می‌شود که موفقیت تحصیلی و عملکرد آموزشی دانش‌آموز به ویژگی‌های وضعیت و استانداردهای زندگی او وابسته است (Horn, 2010). از دیدگاهی دیگر، تلاش‌ها برای تعریف برابری و عدالت آموزشی بر اساس نظریه‌های عدالت اجتماعی و شمول اجتماعی است. در این راستا، چهار جنبه به‌صورت زیر شناسایی شده است: ۱) برابری دستیابی رسمی؛ ۲) برابری شرایط؛ ۳) برابری شرکت؛ ۴) برابری نتایج (Samons, 2010).

شناسایی نقاط قوت و ضعف و کمبود امکانات آموزشی در مناطق آموزش و پرورش می‌تواند مدیران و برنامه‌ریزان را در جهت ارتقاء کمبودها و شاخص‌ها یاری رساند. از آنجا که آموزش و پرورش به‌عنوان وسیله‌ای برای ایجاد یک جامعه برابر و ابزاری برای برقرار عدالت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و آموزشی و در نهایت ابزار توسعه پایدار محسوب می‌شود، در اینجا این سؤال مطرح است که آیا نظام آموزش و پرورش به‌عنوان ابزاری برای توسعه موفق شده است با غلبه بر نارسایی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مناطق مختلف، نظام آرمانی خود را گسترش دهد و آموزش و پرورش برابر را برای تمام گروه‌های اجتماعی شامل دختران و پسران، دانش‌آموزان متعلق به قومیت‌های مختلف، دانش‌آموزان ساکن در استان‌های مختلف کشور و نیز دانش‌آموزان متعلق به طبقات اجتماعی مختلف تأمین نماید؟ آیا همه دانش‌آموزان در این مسیر تحت تعلیمات صحیح و برنامه‌ریزی شده قرار گرفته‌اند؟ آیا دانش‌آموزان متعلق به تمام گروه‌های اجتماعی همگی به یک اندازه از شرایط و محیط مناسب برای رشد و شکوفایی استعدادهای فطری برخوردار بوده‌اند؟ هرچند از میان برداشتن نابرابری فرصت‌های آموزشی دشوار و مستلزم اجرای برنامه‌های درازمدت بسیاری از مؤسسات و نهادهاست اما قبول این واقعیت مانع از طرح این سؤال نمی‌شود که اقدامات نظام

آموزشی کشور به چه نتایجی دست یافته است؟ بدین ترتیب پژوهش حاضر می‌کوشد با در نظر گرفتن کارکرد مدارس به شکل سیستمی و وجود نابرابری‌ها در زمینه، درونداد، فرایند و برونداد سیستم آموزش و پرورش، وضعیت موجود در مدارس مقطع ابتدایی شهر تهران را شناسایی نماید تا بتواند با شناخت کمبودها و امکانات در این مقطع حساس تحصیلی در شهر تهران، مدیران و برنامه‌ریزان امور آموزش و پرورش را یاری نماید تا بتوانند راهکارها و استراتژی‌های مناسبی در جهت رفع این کمبودها اتخاذ کنند؛ بنابراین پژوهشگر در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال‌ها است: (۱) مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخص‌های نابرابری آموزشی در مدارس دوره ابتدایی شهر تهران کدام‌اند؟ (۲) کدام یک از مؤلفه‌ها و شاخص‌ها تأثیر بیشتری بر میزان نابرابری آموزشی در مدارس دوره ابتدایی شهر تهران دارد؟ (الویت بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌ها چگونه است؟)

پیشینه پژوهش

محققان معتقدند که سیاست‌های آموزشی تنها نباید بر بروندادها تمرکز نمایند بلکه بر دروندادها و شرایط نیز باید توجه شود (Horn, 2010). نظریه برابری آموزشی ریشه در نظرات Rawls (2015) دارد. طبق نظر راولز سه اصل برابری در فرصت‌ها در زمینه سیستم‌های آموزشی عبارت‌اند از: (۱) فراهم کردن تسهیلات آموزشی برابر برای افراد واجد شرایط (۲) فراهم آوردن حداقل میزان آموزش برای هر فرد و (۳) ایجاد امکانات و تدارکات ویژه برای گروه‌های محروم (Rawls, 2015).

از مجموع این نظریات چنین نتیجه‌گیری می‌شود که نابرابری در سیستم‌های آموزشی از دو دسته عوامل برون سیستمی (به‌عنوان نمونه زمینه خانوادگی دانش‌آموزان) و عوامل درون‌سازمانی از جمله امکانات و تجهیزات و فرایندهای درون مدرسه‌ای و نیز بروندادهای مدارس ناشی می‌شود. شایان‌ذکر است که به علت ماهیت سیستمی آموزش و پرورش این عناصر بر همدیگر تأثیر دارند و از همدیگر تأثیر می‌پذیرند. به‌عنوان مثال زمینه خانوادگی دانش‌آموزان بر عناصر درون‌سازمانی سیستم‌های آموزشی تأثیرگذار است و این به این معناست که سیستم آموزشی و ویژگی‌های آن تنها عامل نابرابری‌های آموزشی نیست؛ اما از نقطه‌نظر برنامه‌ریزی، سیستم آموزشی دارای اهمیت است حتی اگر تنها عامل از بین برنده نابرابری‌ها نباشد. این به این علت است که ساختارهای نهادی ابزارهای مفیدی برای

سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان هستند که از طریق این ساختارها می‌توانند نابرابری‌های آموزشی را کاهش دهند (Horn, 2010).

مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی مأموریت دارند تا ضمن بررسی راهکارهای مختلف و کشف نقاط قوت و ضعف خود مدارس و مراکز تعلیم و تربیت را از نظر کمی و کیفی توسعه داده و امکان افزایش ارائه خدمات علمی - آموزشی و فرصت آموزش برابر را برای تمام دانش‌آموزان فراهم آورند. هر نوع برنامه‌ریزی برای تخصیص منابع در وهله اول نیازمند شناسایی وضع موجود است و انجام مطالعاتی در زمینه نابرابری در آموزش با استفاده از جمع‌آوری داده‌های واقعی و تحلیل منظم آن‌ها سبب می‌شود: (۱) موقعیت فعلی شاخص‌هایی که نتایج کلیدی و مهم را درباره مناطق و گروه‌های اجتماعی مختلف منعکس می‌کنند. (۲) روندهای گذشته در سرمایه‌گذاری و نتایج و (۳) شکاف‌هایی که باید پر شوند، مشخص شود. این کار کمک خواهد کرد تا نوع دروندادها و بروندادهای حاصل برای مناطق و گروه‌های مختلف شناسایی شود و توجه برنامه‌ریزان و مدیران آموزشی را به اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌ها جهت رفع کمبودها و ناهمگنی‌ها جلب خواهد کرد (Jhingran & Sankar, 2009).

Francis و همکاران (2019) پژوهشی تحت عنوان نقش معلم مدارس در برابری و نابرابری‌های اجتماعی و آموزشی را انجام دادند. جامعه آماری پژوهش مذکور شامل داده‌های مربوط به ۳۸۰ معلم از ۱۲۶ مدرسه متوسطه و مصاحبه با ۱۱۸ دانش‌آموز بود. نتایج نشان داد که معلمین با تجربه بیشتر و با سطح سواد بالاتر به دانش‌آموزان سطوح بالاتر اجتماعی اختصاص داده می‌شوند. همچنین معلمین مجموعه‌های آموزشی رده‌های بالاتر اجتماعی، از دانش‌آموزان انتظارات با استانداردهای رفتاری بالاتری را دارند. برعکس معلمین سطوح پایین‌تر به رده‌های پایین‌تر اجتماعی اختصاص داده می‌شوند. یافته‌های پژوهش از دیدگاه عدالت آموزشی و اجتماعی نشان می‌دهند که پیامدهای توزیع نابرابر معلمان منجر به نابرابری‌های اجتماعی و آموزشی می‌شود. Junchao Tang (2016) در پژوهشی تحت عنوان «گم‌شده در خط شروع»: یک تجدیدنظر آموزشی در چین، 1978 - 2008" به بررسی تغییرات در نابرابری تحصیلی بین گذاره‌ای مدرسه در چین می‌پردازد. به دلیل مکانیسم انتخاب متمایز، دوره زندگی و تحصیلات ابتدایی ناهمگن، تأثیر وضعیت اجتماعی - اقتصادی و اجتماعی دانشجویان بر فرصت‌های تحصیلی آن‌ها، انتظار می‌رود در تحصیلات متوسطه و بالاتر کاهش یابد، درحالی‌که تأثیر درجه تحصیلی در نظر گرفته

می‌شود. یک رگرسیون لجستیک چندجمله‌ای برای آزمایش این فرضیه بر اساس نظرسنجی اجتماعی عمومی ۲۰۰۸ چین انجام شد. نتایج نشان می‌دهد که مراحل اولیه بیش‌ترین نابرابری را در دستیابی به تحصیلات دارند؛ چراکه دانش آموزان تا مراحل بالاتر آموزش حرکت می‌کنند، سهم سطح فرهنگی و فرهنگی بیشتر با درجه تحصیلی جایگزین می‌شود؛ بنابراین، تاکید بیشتری باید بر نابرابری آموزشی در مرحله اول اعمال شود. رفتی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان الگوی ساختاری نابرابری آموزشی در مناطق آموزشی شهر مشهد به روش همبستگی به شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های نابرابری آموزشی از دیدگاه مدیران و دانش آموزان مناطق آموزشی شهر مشهد پرداخت. نتایج نشان داد که مهم‌ترین مؤلفه‌های نابرابری آموزشی در مناطق هفت‌گانه آموزشی شهر مشهد عبارت‌اند از زمینه خانوادگی، فرآیند مدرسه، برونداد و نتایج و درونداد همچنین نتایج الگوسازی معادلات ساختاری نشان‌دهنده این موضوع است که رابطه مستقیم و معناداری بین شاخص‌های متغیرهای مستقل عوامل زمینه خانوادگی فرآیند مدرسه، برونداد و نتایج و درونداد با متغیر وابسته نابرابری آموزشی وجود دارد. صابری و نصرالهی (۱۳۹۶) در مقاله‌ی خود که با هدف شناخت میزان برخورداری آموزشی سکونت‌گاه‌های استان ایلام صورت گرفت، نشان داد که نابرابری در توزیع خدمات و امکانات آموزشی در استان ایلام مشهود است و شهرستان‌های مهران، آبدانان و ایلام از شهرستان‌های نسبتاً محروم به شمار می‌روند. کاکادزفولی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ی خود با هدف تبیین توسعه‌ی آموزشی در شهرستان‌های استان کرمان، نشان داد که توسعه‌ی آموزشی در سطح شهرستان‌های استان بسیار نابرابر است و در تضاد کامل با عدالت فضایی قرار دارد. اکبری (۱۳۹۴) در مقاله‌ی خود با هدف تحلیل فضایی شاخص‌های توسعه‌ی آموزشی در مناطق شهری و روستایی کهگیلویه و بویراحمد، نشان داد شهرستان‌های یاسوج و دهدشت مناطق دارای توسعه و شهرستان‌های لنده، دیشموک و لوداب مناطق محروم در زمینه‌ی توسعه‌ی آموزشی هستند. نظم‌فر و علی‌بخشی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با هدف سنجش نابرابری فضایی در برخورداری از شاخص‌های آموزشی در استان خوزستان، نشان دادند که تفاوت آشکار و محسوسی در میزان برخورداری از امکانات و فضاهای آموزشی در بین شهرستان‌های این استان وجود دارد. یزدانی و همکاران (۱۳۹۲) در نتایج مقاله‌ی خود با هدف رتبه‌بندی توسعه‌ی آموزشی در استان اردبیل، نشان دادند که بین نواحی آموزشی این استان، نابرابری شدیدی وجود دارد و برای کاهش این نابرابری‌ها، نیاز مبرم به

برنامه‌ریزی آموزشی مشاهده می‌شود. اسدی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «مدل‌سازی ساختاری تأثیر آرزوهای تحصیلی بر نابرابری آموزشی (پیشرفت تحصیلی) دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع پیش‌دانشگاهی آموزش و پرورش ناحیه ۱ و ۲ شهرستان ارومیه» به بررسی آرزوهای تحصیلی دانش‌آموزان و عوامل مرتبط با آن و تأثیرگذاری آرزوهای تحصیلی بر نابرابری‌های آموزشی پرداخته است. در این تحقیق برای سنجش نابرابری آموزشی از پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان به‌عنوان برون‌داد و عملکرد سیستم‌های آموزشی استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان داده است که عوامل زمینه‌ای، عوامل شخصی و عوامل محیطی بر آرزوهای تحصیلی اثر مستقیم دارد و همچنین بیان می‌کند که آرزوهای تحصیلی بر پیشرفت تحصیلی اثر مستقیم و معنی‌داری دارد. قاسمی اردهایی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «زمینه‌های خانوادگی نابرابری فرصت‌های آموزشی: مطالعه موردی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اهر» به بررسی تأثیر زمینه‌های خانوادگی بر نابرابری فرصت‌های آموزشی در میان دانش‌آموزان پرداخته‌اند. با مطالعه نظریه‌های تبیین‌کننده این اثر، رابطه بین نابرابری فرصت‌های آموزشی و پایگاه اجتماعی-اقتصادی و روابط هر یک از آن‌ها با دیگر متغیرهای میانی در قالب مدل تحلیل شکل گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشترین نابرابری فرصت‌های آموزشی در بعد مدرسه وجود داشته و سپس ابعاد محله و خانواده قرار می‌گیرند. همچنین، دانش‌آموزان به ترتیب در پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین، متوسط و بالا قرار گرفته‌اند و نیز میزان پایگاه اجتماعی آنان پایین‌تر از پایگاه اقتصادی‌شان به دست آمده است. تحلیل‌های دومتغیره معنی‌داری رابطه معکوس بین متغیرهای پایگاه اجتماعی اقتصادی و نابرابری فرصت‌های آموزشی را نشان می‌دهند. در تحلیل مسیر هم مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار بر میزان نابرابری فرصت‌های آموزشی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی است. به طوری که علاوه بر اثر مستقیم، با تحت تأثیر قرار دادن حساسیت آموزشی والدین و مهارت‌های ارتباطی دانش‌آموزان، اثر خود را بر نابرابری فرصت‌های آموزشی می‌گذارد.

روش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت پژوهش، جزء پژوهش‌های کیفی از نوع تحلیل محتوا است. از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ شیوه جمع‌آوری اطلاعات از نوع میدانی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه خبرگان حوزه آموزش عمومی است و از آنجایی که خبرگان و

صاحب‌نظران حوزه آموزش عمومی که در حوزه مورد مطالعه (نابرابری آموزشی) تسلط داشته باشند به وضوح قابل شناسایی نیستند از این رو از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد و در نهایت با مصاحبه کردن با تعداد ۱۴ نفر از خبرگان آموزشی اطلاعات به حد اشباع رسید. ابزارهای جمع‌آوری اطلاعات ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی، مصاحبه است. در تحقیق حاضر جهت شناسایی شاخص‌ها و همچنین الگوی نابرابری آموزشی در مدارس ابتدایی شهر تهران از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با خبرگان حوزه آموزش عمومی استفاده گردید که سؤالات مصاحبه بدین قرار است: (۱) به نظر شما مهم‌ترین شاخص‌های نابرابری در مدارس دوره ابتدایی کدام‌اند؟ (۲) به نظر شما میزان تأثیرگذاری هر یک از شاخص‌های بیان‌شده تا چه اندازه است؟ (۳) برای افزایش پایایی (سازگاری^۱) این پژوهش از روش‌های زیر استفاده شده است.

الف) ارزیابی یافته‌های کیفی

در دهه ۱۹۸۰ گابا و لینکلن^۲ مفهوم «قابلیت اعتماد» را مانند معیاری برای جایگزینی روایی و پایایی مطرح کردند تا به کمک آن دقت علمی را در پژوهش کیفی مورد ارزیابی قرار دهند. این مفهوم از چهار عنصر اعتبار‌پذیری^۳، انتقال‌پذیری^۴، اتکا‌پذیری^۵ و تأیید‌پذیری^۶ تشکیل شده است (نوری و مهرمحمدی، ۱۳۹۰). پژوهشگران برای تأیید دقت علمی در پژوهش‌های کیفی با استفاده از مفهوم قابلیت اعتماد و عناصر چندگانه آن، راهبردهایی گوناگون همچون استفاده از تکنیک بازبینی از سوی مشارکت‌کننده در پژوهش (مصاحبه‌شوندگان)، بازبینی از سوی همکاران، درهم تنیدگی^۷، ممیزی بیرونی^۸، خودبازبینی پژوهشگر، تحلیل موارد منفی، بسندگی منابع ارجاع شده، کنار گذاشتن عقاید پژوهشگر، داوری طرح یا داوری در طول انجام پژوهش، جستجوی شواهد ناسازوار، اعتبار پژوهشگر، توصیف دقیق شرایط انجام مطالعه، کمیته دو نفر برای انجام مصاحبه به صورت جداگانه، اما موازی با یکدیگر و مقایسه یافته‌های پژوهشگران را مورد استفاده قرار داده‌اند (Creswell, 2012).

1. consistency
2. guba & lincoln
3. credibility
4. transferability
5. dependability
6. confirmability
7. entanglement
8. external Audit

در این پژوهش، برای سنجش بسندگی پژوهش و اطمینان‌یابی از کیفیت داده‌ها و تفسیرهای صورت گرفته، ترکیبی از معیارها و راهبردهای یادشده مورد استفاده قرار گرفته است. جدول ۱ استفاده از این معیارها را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ارزیابی یافته‌های کیفی (روایی و اعتبار)

معیار	مفهوم‌سازی	تکنیک‌های به کار گرفته شده
اعتبارپذیری	این مفهوم جایگزین مفهوم «روایی درونی» در - ارائه خلاصه‌ای از سخنان مصاحبه شونده در پایان پژوهش کمی است که از طریق آن، پژوهشگران به هر مصاحبه برای اطمینان از درستی مطالب بیان‌شده. دنبال اثبات اطمینان به درستی یافته‌هایشان هستند. به - بازبینی یافته‌ها از سوی اعضای مشارکت‌کننده در این معنا که آنچه در یافته‌ها و نتایج پژوهش از سوی پژوهش و بازبینی همکاران پژوهشی. پژوهشگر بیان می‌گردد، همانی باشد که در نظر و - گردآوری داده‌ها از افراد گوناگون و استفاده از منابع ذهن پاسخگو بوده است. تخصصی (به هم تنیدگی منابع داده‌ها).	
انتقال‌پذیری	این مفهوم جایگزین مفهوم «روایی بیرونی» در - توصیف دقیق شرایط انجام پژوهش و پژوهش کمی است که از طریق آن، پژوهشگران به دنبال ارائه یک تصویر مفصل از زمینه‌ای که پژوهش در آن انجام شده است، هستند و به معنای امکان کاربرد یافته‌های پژوهش در مکان یا شرایط دیگر است.	شرکت‌کنندگان و انتشار نتایج آن، به خواننده کمک می‌کند تا تصمیم بگیرد که نتایج مطالعه منتشرشده در جامعه مربوط به خواننده می‌تواند کاربرد داشته باشد یا خیر؟
اتکاپذیری	این مفهوم جایگزین مفهوم «پایایی» در پژوهش کمی است و به معنای وجود پایداری بنیادی در داده‌های فرآیندهای گردآوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات از پژوهش است، در حقیقت به ثبات یافته‌های پژوهش در زمان‌ها و شرایط گوناگون اشاره دارد.	- هدایت دقیق جریان مصاحبه برای گردآوری داده‌ها، - ممیزی بیرونی و بررسی و پیگیری روش ثبت همه سوی فرد متخصص خارج از پژوهش. - بازبینی مطالب در دو مرحله (حین و پایان) و مستندسازی داده‌های به دست آمده از مصاحبه.
تأییدپذیری	این مفهوم جایگزین مفهوم «عینیت» در پژوهش کمی است و به این معنا است که تفسیرهای انجام شده در پژوهش کیفی به جای تأکید بر عینیت، باید تأییدپذیر و برآمده از نظر مصاحبه شونده‌ها باشد و از سوگیری پژوهشگر، به دور باشد.	- بررسی و تأیید بیشتر مصاحبه شونده‌ها از ابعاد و مقوله‌های به دست آمده از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها.

ب) تکنیک سه سویه سازی (ترکیب و تلفیق)

روشی برای افزایش دقت علمی تحقیق است. هدف از دقت علمی در مطالعه کیفی این است که به درستی بیانگر تجربیات واقعی مشارکت‌کنندگان باشد. مثلث‌سازی به استفاده از منابع

متعدد داده‌ها برای ترسیم نتایج، در مورد آنچه حقیقت را تشکیل می‌دهد، اشاره دارد. هدف مثلث‌سازی، غلبه به سوگیری‌های اصلی (ذاتی) است که ناشی از به کار گرفتن یک روش، یک مشاهده‌گر و یا یک تئوری در مطالعات است. به کار بردن رویکردهای متعدد در یک مطالعه می‌تواند منجر به افزایش اعتماد و اعتبار اطلاعات گردد؛ زیرا قدرت یک روش، ضعف روش دیگر را پوشش می‌دهد. همچنین محققین از انواع روش‌های مثلث‌سازی به‌منظور تأیید یافته‌ها و یا اطمینان از کامل بودن آن‌ها استفاده می‌نمایند (Speziale و همکاران (2011). روش‌های مثلث‌سازی برای تحقیقات کیفی عبارت‌اند از:

۱) سه سویه‌سازی منابع داده‌ها - به استفاده از منابع متعدد داده‌ها در مطالعه اشاره دارد.
۲) سه سویه‌سازی محقق - به کار گرفتن بیش از یک پژوهشگر برای جمع‌آوری، تجزیه، تحلیل یا تفسیر داده‌ها است.

۳) سه سویه‌سازی نظریه (تئوری) - استفاده از دیدگاه‌های متعدد برای تفسیر داده‌هاست.
۴) سه سویه‌سازی روش - استفاده از روش‌های متعدد برای جمع‌آوری داده‌ها مانند مصاحبه و مشاهده است (Boswell & Cannon, 2007).

در پژوهش حاضر، محقق با روش مثلث‌سازی، دقت علمی نتایج مطالعه خود را با استفاده از منابع متعدد داده‌ها در مطالعه، استفاده از تئوری‌ها و رویکردهای متعدد در مطالعه، یافته‌های حاصل از مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با خبرگان و متخصصین، بررسی متون علمی تخصصی، تحلیل مضمون داده‌های مصاحبه‌ها توسط دو متخصص و استفاده از دیدگاه‌های متعدد برای تفسیر داده‌ها؛ افزایش داده است.

ج) پایایی در مصاحبه

در مرحله‌ی چون موقعیت مصاحبه، نسخه‌برداری و تحلیل مطرح می‌گردد. هم‌چنین در پایایی مصاحبه شونده، به چگونگی هدایت سؤالات اشاره می‌شود. در پایایی نسخه‌برداری نیز باید به پایایی درون موضوعی نسخه‌نویسی‌های انجام‌شده حین تایپ متون توسط دو فرد توجه نمود. در طول طبقه‌بندی مصاحبه‌ها نیز توجه به درصد‌های گزارش داده‌شده توسط دو نفر کدگذار، روشی برای تعیین پایایی است. میزان (درصد) توافق درون موضوعی دو کدگذار (که باید ۶۰ درصد یا بیشتر باشد) در مورد یک مصاحبه (کنترل تحلیل) نیز روشی برای پایایی تحلیل است. در پژوهش کنونی از پایایی بازآزمون مصاحبه‌های انجام‌گرفته و روش توافق درون موضوعی، با محاسبه ضریب توافق کاپا استفاده شده است.

پایایی کدگذاری مصاحبه‌ها

برای محاسبه پایایی بازآزمون از میان مصاحبه‌های انجام گرفته چند مصاحبه به‌عنوان نمونه انتخاب شده و هر کدام از آن‌ها در یک فاصله زمانی کوتاه و مشخص دوباره کدگذاری شد. سپس کدهای مشخص شده در دو فاصله زمانی برای هر کدام از مصاحبه‌ها با هم مقایسه شدند. روش بازآزمایی برای ارزیابی ثبات تحلیل مضمون پژوهشگر به کار می‌رود. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که در دو فاصله زمانی با هم مشابه هستند، با عنوان «موافق» و کدهای غیرمشابه با عنوان «مخالف» مشخص شدند. سپس برای تعیین پایایی کدگذاری مصاحبه‌ها، از ضریب درون موضوعی کاپا^۱ استفاده شد. از طریق این ضریب، می‌توان میزان توافق دو اندازه‌گیری (توسط دو نفر) را ارزیابی کرد. داده‌ها در نرم‌افزار Spss-22 مورد تحلیل قرار گرفت.

$$\text{Kappa} = \frac{p_o - p_e}{1 - p_e}$$

رابطه ۱: فرمول ضریب کاپا

در این فرمول:

P_o = درصد توافق مشاهده شده

P_e = درصد توافق مورد انتظار

جدول ۲. آماره کاپا

سطح معنی‌داری	آماره T	خطای معیار	آماره کاپا	معیار توافق
۰/۰۰۰	۴/۸۴۷	۰/۱۱۰	۰/۷۲۸	تعداد
			۴۱	

جدول ۳. اعتمادپذیری ضریب کاپا در میزان توافق بین کدگذاری‌ها (Gwet, 2014)

مقدار آماره کاپا	قدرت توافق
کمتر از صفر	ضعیف
۰-۰/۲	کم
۰/۲۱- ۰/۴	پایین‌تر از متوسط
۰/۴۱- ۰/۶۰	متوسط
۰/۶۱- ۰/۸۰	خوب
۰/۸۱- ۱	عالی

بر اساس داده‌های جدول ۲ ضریب کاپا برابر ۰/۷۲۸ است. با توجه به آماره T، در سطح ۰/۰۱، ضریب توافق بین دو کدگذار از لحاظ آماری معنی‌دار است. ضریب کاپای محاسبه‌شده، در جدول ۳ در مرتبه خوب قرار دارد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که کدگذاری مصاحبه‌ها از پایایی لازم برخوردار بوده است.

یافته‌ها

پاسخ سؤال اول: ۱. مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخص‌های نابرابری آموزشی در مدارس دوره ابتدایی شهر تهران کدام‌اند؟

برای بررسی مهم‌ترین شاخص‌های نابرابری آموزشی در مدارس دوره ابتدایی شهر تهران از روش کیفی و با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته با متخصصان در حوزه آموزشی و کارشناسان این حوزه و بررسی اسناد و مدارک علمی، مقالات و منابع انجام پذیرفته است لذا ابتدا به بررسی اسناد و مدارک علمی، مقالات و منابع خواهیم پرداخت و در نهایت مصاحبه‌ها نیز به تفکیک و در ادامه خواهند آمد.

جدول ۴. بررسی اسناد و مدارک علمی، مقالات و منابع در ارتباط با مهم‌ترین شاخص‌های نابرابری آموزشی

مؤلفه	شاخص‌ها
مؤلفه درونداد	شاخص امکانات فیزیکی شاخص نیروی انسانی
مؤلفه فرایند مدرسه	جو انضباطی ارتباط ادراک عدالت
مؤلفه زمینه خانوادگی	وضعیت اجتماعی اقتصادی سرمایه فرهنگی ساختار خانواده
الف: برون‌داد شناختی	ب: برون‌دادهای غیر شناختی
- پوشش تحصیلی	- تعلق به مدرسه
مؤلفه برون‌داد	- انگیزش نسبت به مدرسه
- معدل دروس نهایی	- خودپنداره تحصیلی
- درصد قویلی در کنکور	- رشد اعتقادی
- نرخ ارتقاء پایه	

جدول ۴ مؤلفه‌ها و شاخص‌های استخراجی بر مبنای منابع علمی، تحقیقات داخلی و خارجی را نشان می‌دهد. در ادامه برای به تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه نیمه ساختارمند با متخصصان در حوزه آموزشی و کارشناسان این حوزه خواهیم پرداخت. در نهایت تعداد ۱۴ (حد اشباع ۱۴ نفر) مصاحبه انجام پذیرفت که متن مصاحبه‌ها و کدگذاری‌ها به تفکیک در جداول زیر آمده است.

جدول ۵. جدول مصاحبه با متخصصین و انتخاب مضامین

متن مصاحبه‌ها	مضامین اولیه استخراج از متن مصاحبه
شاخص‌های نابرابری از لحاظ فرایندی عبارت‌اند از:	- انتظارات و آرزوهای والدین
۱- انتظارات و آرزوهای والدین	- وضعیت تحصیلی والدین
۲- وضعیت تحصیلی والدین	- سرمایه فرهنگی خانواده
۳- سرمایه فرهنگی خانواده	- آرزوی تحصیلی دانش آموزان
۴- آرزوی تحصیلی دانش آموزان	- تعداد افراد خانواده (کاهش جمعیت خانواده به منزله مناسب بودن و وضعیت تلقی می‌گردد).
۵- تعداد افراد خانواده (کاهش جمعیت خانواده به منزله مناسب بودن وضعیت تلقی می‌گردد).	- امکانات و فضای آموزشی
۶- امکانات و فضای آموزشی	- منابع انسانی
۷- منابع انسانی	- مدیریت مدرسه
۸- مدیریت مدرسه	- پیشرفت تحصیلی
۹- پیشرفت تحصیلی	۱۰- وضعیت قبولی دانش آموزان در مدارس نمونه دولتی و تیزهوشان
۱۰- وضعیت قبولی دانش آموزان در مدارس نمونه دولتی و تیزهوشان	۱۱- مقام‌های ورزشی، فرهنگی و علمی
۱۱- مقام‌های ورزشی، فرهنگی و علمی	
به نظر پژوهشگر مهم‌ترین شاخص‌های نابرابری آموزشی در مدارس - زمینه خانوادگی بخصوص وضعیت دوره ابتدایی شهر تهران شامل؛	- زمینه خانوادگی بخصوص وضعیت اقتصادی (ترکیبی از ترکیبی از
زمینه خانوادگی بخصوص وضعیت اقتصادی (ترکیبی از ترکیبی از تحصیلات، شغل و درآمد والدین)	- شاخص برودادهای غیرشناختی
تحصیلات، شغل و درآمد والدین،	- شاخص امکانات فیزیکی فضاهای آموزشی
شاخص برودادهای غیرشناختی،	- شاخص اقتصادی است
شاخص امکانات فیزیکی فضاهای آموزشی،	
شاخص اقتصادی است	
به نظر پژوهشگر بیشترین تأثیر گزار را شاخص‌های اقتصادی و - شاخص‌های اقتصادی	
امکانات فیزیکی در شهر تهران در برمی‌گیرد. با توجه به اینکه مدارس - شاخص‌های امکانات فیزیکی	
ابتدایی در نقاط مختلف شهر تهران از لحاظ نابرابری را می‌توان به (امکانات مدرسه)	
نابرابری اقتصادی و فاصله طبقاتی تعریف کرد و هرچه از مناطق پایین - رسیدگی متولیان آموزشی	

مضمین اولیه استخراج از متن مصاحبه	متن مصاحبه‌ها
	و حاشیه شهر تهران به مراکز مرکزی و بالاتر می‌رویم وضعیت امکانات مدرسه و رسیدگی متولیان آموزشی به دانش آموزان بهتر می‌شود
<ul style="list-style-type: none"> - شاخص‌های سیاسی، - شاخص‌های اجتماعی، - شاخص‌های اقتصادی، - شاخص‌های جغرافیایی 	از جمله مهم‌ترین شاخص‌های نابرابری را می‌توان شاخص‌های زمینه‌ای (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی و توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) نام برد که در شهر تهران به‌وفور قابل مشاهده هستند.
<ul style="list-style-type: none"> - ساخت‌های اجتماعی - بعد اقتصادی و سیاسی و جغرافیایی (زمینه‌ای) - بعد شاخص‌های برون داد 	بیشترین تأثیر مربوط به ساخت‌های اجتماعی و بعد اقتصادی و سیاسی و جغرافیایی (زمینه‌ای) و بعد شاخص‌های برون داد
<ul style="list-style-type: none"> - میزان دسترسی به مدرسه می‌تواند یکی از شاخص‌های نابرابری باشد چون‌که مسافت زیاد باعث از بین رفتن انگیزه می‌شود به‌طوری‌که وقتی اولیاء یا دانش آموزان ابتدایی که سن کمی دارند قرار باشد مسافت زیادی را طی نمایند تا به مدرسه برسند خسته می‌شوند و یا اولیا متحمل هزینه می‌گردد، یعنی میزان دسترسی به محل تحصیل یک شاخص نابرابری است. یکی دیگر خود فضای آموزشی (مدرسه و کلاس) و امکانات است، در مدرسه‌ای که دارای کلاس‌های مرتب و تمیز و امکانات و تجهیزات آموزشی می‌باشند و سطح دسترسی یک دانش آموز ابتدایی به امکانات و تجهیزات آموزشی می‌باشند و سطح دسترسی یک دانش آموز ابتدایی به امکانات و تجهیزات آموزشی می‌باشند و سطح دسترسی یک دانش آموز ابتدایی به امکانات کم‌آموزشی و مطلوبیت فضای آموزشی (مدرسه و فضای آموزشی یک شاخص نابرابری است یعنی مدرسه کم امکانات کلاس) و امکانات نسبت به مدرسه دارای امکانات می‌تواند به‌عنوان یک شاخص نابرابری آموزشی باشد. یکی دیگر از شاخص‌های نابرابری آموزشی تبارگرایی است. چنانچه در بعضی از مدارس به افراد مهاجر (روستائیان مهاجران - میزان توجه معلم به دانش آموزان کشورهای بیگانه قومیت‌های متفاوت موجود در کشور...) می‌تواند در فرهنگ مدرسه تأثیرگذار باشد و کادر آموزشی مدرسه در ارائه خدمات آموزشی به دانش آموزان دچار تبعیض ارائه خدمات آموزشی گردند که نتیجه آن می‌تواند افت تحصیلی دانش آموزان اقلیت یا قومیت‌های اقلیت گردد. یکی دیگر از شاخص‌های نابرابر آموزشی وضعیت اقتصادی خانواده‌های دانش آموزان است، دانش‌آموزانی که دارای اولیاء پولدارتر می‌باشند می‌توانند پوشش بهتر امکانات کمک‌آموزشی بهتر (لوازم کمک‌درسی کتب تقویتی و...) برای فرزندان خود تهیه نمایند که این امر باعث افت انگیزه به‌ویژه در سنین کودکی در دبستان جهت 	

مضمین اولیه استخراج از متن مصاحبه	متن مصاحبه‌ها
	<p>تحصیل می‌گردد حتی در مواردی کادر آموزشی مدرسه فرزندان افراد ثروتمندتر یا دارای نفوذ سیاسی و فرهنگی را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهند. بطوریکه باعث ایجاد تبعیض در ارائه خدمات آموزشی در کلاس و خارج از کلاس می‌گردند. یکی دیگر از شاخص‌های نابرابری آموزشی میزان توجه معلم به دانش‌آموزان است. طوری که دانش‌آموزان که مورد علاقه شخصی معلم هستند یا روابط خاصی با اولیاء آن‌ها دارند یا آرام‌تر هستند بیشتر مورد توجه معلم قرار می‌گیرند مثلاً معلمان دوست دارند دانش‌آموز در کلاس نسبت به تدریس اعتراض نکند کوچک‌ترین بی‌انضباطی نکنند و تکالیفشان را برابر خواسته معلم انجام دهند و اگرچند مرتبه یک دانش‌آموز به حرف معلم گوش ندهد ممکن است در رفتار گفتار یا حتی نگاه عدالت آموزشی را رعایت نکند یا حتی در بعضی از موارد باعث ترک تحصیل دانش‌آموز شود.</p>
<p>- شاخص وضعیت اقتصادی خانواده‌های دانش‌آموزان</p> <p>- سطح رفاه اجتماعی</p>	<p>از نظر پژوهشگر مهم‌ترین شاخص وضعیت اقتصادی خانواده‌های دانش‌آموزان است که نقش بسیار تعیین‌کننده دارد عدالت آموزشی در یک جامعه وقتی می‌تواند اجرا شود که سطح رفاه اجتماعی در وضعیت مطلوب باشد یا خانواده‌ها حداقل امکانات را جهت تحصیل فرزندان خود فراهم نمایند. میزان تأثیر گاری شاخص بسیار مؤثر است چنانچه معلم به هر دلیل نسبت به دانش‌آموزی یا طیفی از دانش‌آموزان بی‌توجهی کند موجب کاهش انگیزه یادگیری پایین آمدن سطح یادگیری افت تحصیلی یا حتی ترک تحصیل می‌شود.</p>
<p>- برخورداری از معلمان خوب</p> <p>- توجه به کیفیت آموزشی</p> <p>- میزان امکانات و تجهیزات آموزشی</p> <p>- میزان بهره‌مندی از آموزش</p>	<p>الف) اغلب معلم‌های خوب، عمدتاً در مدارس افراد برخوردار و فرادستان خدمت می‌کنند. ب) تفاوت قابل توجه در کیفیت آموزشی بین مدارس ج) میزان امکانات و تجهیزات آموزشی. د) میزان بهره‌مندی گروه‌ها و طبقات گوناگون از آموزش ه) آموزش در کشور ما کالای فرهنگی شده است، یعنی برای طبقه برخوردار قابل خریدن شده است.</p>

جدول ۵ جدول مصاحبه نیمه سازمان‌یافته با متخصصین و انتخاب کدها را نشان می‌دهد. در این بخش از پژوهش، فهرستی از کدهای مختلف به دست آمده است که باید این کدها در قالب مضامین مرتب شوند؛ بنابراین بعد از مکتوب نمودن داده‌ها و با مطالعه مکرر و ثبت ایده‌های اولیه، تلاش گردید تا کدهای معنادار مشخص گردد و در نهایت شکل ادغام‌شده و نهایی مضامین پایه‌ی مستخرج از مصاحبه‌ها در جدول شماره ۶ آمده است.

جدول ۶. شکل ادغام‌شده و نهایی مضامین پایه‌ی مستخرج از مصاحبه‌ها و مقدار فراوانی هر یک

ردیف	کدهای استخراج‌شده	تعداد دفعات تکرار
۱	انتظارات و آرزوهای والدین	۱
۲	وضعیت تحصیلی والدین	۱
۳	سرمایه فرهنگی خانواده	۱
۴	آرزوی تحصیلی دانش‌آموزان	۱
۵	جمعیت کم خانواده	۱
۶	امکانات و فضای آموزشی	۴
۷	منابع انسانی (معلمان خوب)	۲
۸	مدیریت مدرسه	۱
۹	پیشرفت تحصیلی	۱
۱۰	وضعیت قبولی دانش‌آموزان در مدارس نمونه	۱
۱۱	مقام‌های ورزشی، فرهنگی و علمی	۱
۱۲	وضعیت اجتماعی خانواده‌ها	۳
۱۳	اقتصادی (ترکیبی از تحصیلات، شغل و درآمد والدین)	۵
۱۴	رسیدگی متولیان آموزشی	۱
۱۵	شاخص‌های جغرافیایی	۲
۱۶	میزان دسترسی و میزان بهره‌مندی از آموزش	۲
۱۷	آموزشی تبارگرایی	۱
۱۸	میزان توجه معلم به دانش‌آموزان	۱
۱۹	توجه به کیفیت آموزشی	۱

در تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌های با ۱۴ نفر (متخصص در حوزه آموزشی و کارشناسان این حوزه)، تعداد ۳۷ کد به دست آمد که بعد از حذف کدهای تکراری و ادغام موارد مشابه، تعداد ۱۹ کدهای حاصل شد؛ که در جدول ۶ آمده است.

در ادامه و در جدول ۷ به ترکیب کدهای مستخرج شده از بررسی اسناد و مصاحبه نیمه سازمان‌یافته خواهیم پرداخت. بر این اساس مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر استخراج‌شده نهایی در ادامه آمده است.

جدول ۷. ترکیب کدهای مستخرج شده از بررسی اسناد و مصاحبه نیمه سازمان یافته

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
	شاخص امکانات فیزیکی	امکانات و فضای آموزشی مناسب، تجهیزات آموزشی، میزان دسترسی و میزان بهره‌مندی از آموزش
درونداد	شاخص نیروی انسانی	منابع انسانی (معلمان خوب)، کادر آموزشی و غیر آموزشی با کیفیت، مدیریت مدرسه،
	شاخص اقتصادی	مزایای اقتصادی آموزش و پرورش
	شاخص دانش‌آموزی	نسبت دانش‌آموز در منطقه، نسبت کتاب به دانش‌آموزان در منطقه
	جو انضباطی	ادراک دانش‌آموز از جو انضباطی مدرسه
	ارتباط	ادراک دانش‌آموز از نحوه برقراری تعامل و ارتباط معلم با دانش‌آموزان
فرابندی	ادراک عدالت	عدم تبعیض، میزان توجه معلم به دانش‌آموزان
	کمیت آموزش دریافتی	به‌کارگیری نحوه تدریس و انجام فعالیت‌های یاددهی مناسب
	حمایت	ادراک دانش‌آموز از حمایت از سوی معلم
	انتظارات	ادراک دانش‌آموز از برخورد عادلانه در مدرسه و ناپرابری‌ها در انتظار تحصیل
	وضعیت اجتماعی	جایگاه اجتماعی خانواده
	وضعیت اقتصادی	درآمد خانواده، هزینه‌ها
	وضعیت تحصیلی والدین	میزان سواد پدر و مادر و اعضای خانواده
زمینه خانوادگی	سرمایه فرهنگی	توجه به آداب و رسوم، بناهای تاریخی، گردشگری
	ساختار خانواده	جمعیت کم خانواده
	حساسیت تحصیلی	میزان توجه به وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان
	آرزوی تحصیلی دانش‌آموزان و والدین	حساسیت به داشتن مدارک علمی بالا توسط خانواده
	برونداهای شناختی	پوشش تحصیلی معدل دروس نهایی، پیشرفت تحصیلی درصد قبولی در کنکور
برونداد		نرخ ارتقاء پایه تعلق به مدرسه انگیزش نسبت به مدرسه
	برونداهای غیر شناختی	خودبنداره تحصیلی رشد اعتقادی مقام‌های ورزشی، فرهنگی و علمی
	پیامدهای فردی	مزایای اقتصادی آموزش و پرورش
	آموزش و پرورش	مزایای اجتماعی آموزش و پرورش
زمینه فردی	نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی	نابرابری در درآمد و فقر نابرابری‌های امنیت اقتصادی
نابرابری	منابع فرهنگی	سطح تحصیلات بزرگسالان منابع فرهنگی دانش‌آموزان کارهای فرهنگی دانش‌آموزان

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
آرزوها و ادراکات	آرزوهای شغلی دانش آموزان	معیارهای دانش آموزان از انصاف عقاید کلی دانش آموزان درباره انصاف آرزوی تحصیلی دانش آموزان
آموزش و پرورش و تحرک اجتماعی	موفقیت شغلی با سطح تحصیلات تأثیر ریشه اجتماعی بر وضعیت شغلی	
تأثیرات اجتماعی و محرومان	مزیای آموزش برای محرومان	سهم تحصیل کرده‌ترین تا فقیرترین
سیاسی نابرابری‌ها	قضاوت دانش آموزان درباره برابری سیستم‌های آموزشی انتظارات دانش آموزان از سیستم‌های آموزشی	
آموزش و پرورش	تأثیرات جمعی نابرابری‌ها	احساس دانش آموزان درباره عدالت در سیستم‌های آموزشی تحمل
	وضعیت اجتماعی خانواده‌ها	جایگاه اجتماعی خانواده
شاخص‌های جغرافیایی	شاخص‌های جغرافیایی	محل زندگی

جدول ۷ به ترکیب کدهای مستخرج شده از بررسی اسناد و مصاحبه نیمه سازمان یافته پرداخته است. بر این اساس ۷ مضمون فراگیر، ۲۸ مضمون سازمان دهنده استخراج شده است؛ که نتایج به‌طور کامل در جدول آمده است.

پاسخ سؤال دوم: کدام یک از مؤلفه‌ها و شاخص‌ها تأثیر بیشتری بر میزان نابرابری آموزشی در مدارس دوره ابتدایی شهر تهران دارد؟ (الویت بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌ها چگونه است؟) در تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌ها با ۱۴ نفر (متخصص در حوزه آموزشی و کارشناسان این حوزه)، تعداد ۱۹ مضمون به‌عنوان مهم‌ترین تم‌های تأثیرگذار بر نابرابری آموزشی شناسایی شد که اولویت‌ها بر اساس تعداد تکرار هر تم از نقطه نظر متخصصان حوزه نابرابری آموزشی به شرح جدول ۸ است.

جدول ۸ اولویت‌بندی مضامین مستخرج از مصاحبه‌ها تأثیرگذار بر نابرابری آموزشی

ردیف	مضمون‌ها و تم‌های	اولویت‌بندی
۱	اقتصادی (ترکیبی از تحصیلات، شغل و درآمد والدین)	اول
۲	امکانات و فضای آموزشی	دوم
۳	وضعیت اجتماعی خانواده‌ها	سوم
۴	شاخص‌های جغرافیایی	چهارم
۵	میزان دسترسی و میزان بهره‌مندی از آموزش	پنجم

ردیف	مضمون‌ها و تم‌های	اولویت‌بندی
۶	منابع انسانی (معلمان خوب)	ششم
۷	سرمایه فرهنگی خانواده	هفتم
۸	آرزوی تحصیلی دانش‌آموزان	هشتم
۹	جمعیت کم‌خانواده	نهم
۱۰	مدیریت مدرسه	دهم
۱۱	انتظارات و آرزوهای والدین	یازدهم
۱۲	وضعیت تحصیلی والدین	دوازدهم
۱۳	پیشرفت تحصیلی	سیزدهم
۱۴	وضعیت قبولی دانش‌آموزان در مدارس نمونه	چهاردهم
۱۵	مقام‌های ورزشی، فرهنگی و علمی	پانزدهم
۱۶	رسیدگی متولیان آموزشی	شانزدهم
۱۷	آموزشی تبارگرایی	هفدهم
۱۸	میزان توجه معلم به دانش‌آموزان	هیجدهم
۱۹	توجه به کیفیت آموزشی	نوزدهم

بحث و نتیجه‌گیری

برای بررسی شاخص‌های نابرابری آموزشی در مدارس دوره ابتدایی شهر تهران از مصاحبه نیمه ساختاریافته هم‌چنین مرور نظام‌مند و بررسی اسناد، مدارک علمی، مقالات و منابع استفاده گردید. بر این اساس کدهای مستخرج شده از بررسی اسناد، مدارک علمی، مقالات و منابع و مصاحبه نیمه سازمان‌یافته شامل ۷ مضمون فراگیر و ۲۸ مضمون سازمان‌دهنده است که شامل؛

۱- مؤلفه درونداد: این مؤلفه خود دارای شاخص‌های است که از ترکیب مصاحبه نیمه ساختاریافته، هم‌چنین مرور نظام‌مند و بررسی اسناد، مدارک علمی، مقالات و منابع حاصل شده است از جمله این شاخص‌های شامل: شاخص امکانات فیزیکی (امکانات و فضای آموزشی مناسب، تجهیزات آموزشی، میزان دسترسی و میزان بهره‌مندی از آموزش)، شاخص نیروی انسانی (منابع انسانی (معلمان خوب)، کادر آموزشی و غیرآموزشی با کیفیت، مدیریت مدرسه)، شاخص اقتصادی (مزایای اقتصادی آموزش و پرورش) و شاخص دانش‌آموزی (نسبت دانش‌آموز در منطقه، نسبت کتاب به دانش‌آموزان در منطقه) است که در این خصوص مصادیق مطرح شده در شاخص درونداد مرتبط با نابرابری آموزشی در آثار و تحقیقات بسیاری از صاحب‌نظران از جمله؛ صابری و نصرالهی (۱۳۹۶)، نظم‌فر و علی‌بخشی

(۱۳۹۳)، موسوی و همکاران (۱۳۹۰)، اسماعیل‌سرخ (۱۳۸۶)، اکبری (۱۳۹۴)، یزدانی و همکاران (۱۳۹۲)، آتشک (۱۳۸۸)، اسدی (۱۳۹۲)، مرادی (۱۳۸۳)، Ethan Hutt (2018)، Gabriele و همکاران (2014)، Hoffmann و همکاران (2016)، کورتلیا و هارت موت (۲۰۱۳)، نیاز و ورو نیکا ای و ماتینز کانتو (۲۰۰۷)، زنگ و همکاران (۲۰۱۳)، یوسو (۲۰۰۶) مورد تأکید است.

در این ارتباط؛ صابری و نصرالهی (۱۳۹۶) بیان می‌دارد که نابرابری در توزیع خدمات و امکانات آموزشی در استان ایلام مشهود است و شهرستان‌های مهران، آبدانان و ایلام از شهرستان‌های نسبتاً محروم به شمار می‌روند. نظم‌فر و علی‌بخشی (۱۳۹۳) بیان می‌کند که تفاوت آشکار و محسوسی در میزان برخورداری از امکانات و فضاهای آموزشی در بین شهرستان‌های این استان وجود دارد. موسوی و همکاران (۱۳۹۰) نشان داده است که از ۲۴ منطقه‌ی آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی، منطقه‌ی بوکان و ارومیه - ناحیه ۱ به‌عنوان مناطق برخوردار شناخته شده‌اند، ۷ منطقه به‌عنوان مناطق نیمه برخوردار و ۱۵ منطقه به‌عنوان مناطق محروم محسوب می‌شوند. بیشترین میزان نابرابری با ۰/۹۱ در شاخص‌های امکانات فیزیکی و کمترین میزان نابرابری با ۰/۵۱ در شاخص‌های پیشرفت تحصیلی بوده است. همچنین امکانات اقتصادی و امکانات فیزیکی به ترتیب بیشترین و کمترین تأثیر را بر توسعه مناطق آموزش و پرورش داشته‌اند. اکبری (۱۳۹۴) نشان داد که شهرستان‌های یاسوج و دهدشت مناطق دارای توسعه و شهرستان‌های لنده، دیشموک و لوداب مناطق محروم در زمینه‌ی توسعه‌ی آموزشی به لحاظ نیروی انسانی هستند. یزدانی و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند که بین نواحی آموزشی این استان، نابرابری شدیدی وجود دارد و برای کاهش این نابرابری‌ها، نیاز مبرم به برنامه‌ریزی آموزشی مشاهده می‌شود.

همچنین Ethan Hutt (2018) معتقد است که یک نگرانی جدید برای بی‌عدالتی آموزشی به‌عنوان تفاوت در شانس‌های جمعی دانشجویان فردی ارائه می‌دهد. اگرچه این تلاش‌های اولیه برای ارائه قول برای شناسایی رابطه دقیق بین خصوصیات مدرسه قابل‌شناسایی و نتایج مدرسه ناموفق بودند، قابلیت دوام کلی این تکنیک‌ها را نشان دادند و مسیر را به سوی مرز جدید تحقیقات نشان دادند. Gabriele و همکاران (2014)، نشان داد که واگرایی بین دو منطقه در توسعه آموزشی و تأثیر زمینه‌های اجتماعی در سال‌های تحصیل به نفع شمال وجود داشته است. تفاوت اصلی بین این دو ناحیه در دو انتقال یافت می‌شود، یکی از ابتدایی تا متوسطه

و دومی از پایین تا متوسطه. با اینکه اولین تفاوت در طول زمان کاهش می‌یابد، دومین تفاوت در طول زمان رشد می‌کند و در حال حاضر حیاتی است. دلایل آن در گرایش متفاوت فرزندان طبقه کارگر برای ثبت نام در مدارس فنی حرفه‌ای که در شمال قوی تر است، یافت می‌شوند. Hoffmann و همکاران (2016) نشان داد که نابرابری درآمدی افزایش نابرابری سلامت را توضیح می‌دهد، پیدا نمی‌کنیم. توضیحات ممکن این است که عوامل دیگری واسطه‌های مهم تأثیر آموزش بر سلامت هستند، یا صرفاً این که درآمد یک عامل تعیین کننده مهم مرگ و میر در این زمینه در کشورهای با درآمد بالا محسوب نمی‌شود. این مطالعه به بحث در زمینه نابرابری درآمد به عنوان نقطه ورود به رفع نابرابری‌های سلامت کمک می‌کند. Junchao Tang (2016)، نشان می‌دهد که مراحل اولیه بیشترین نابرابری را در دستیابی به تحصیلات دارند؛ چراکه دانش آموزان تا مراحل بالاتر آموزش حرکت می‌کنند، سهم سطح فرهنگی و فرهنگی بیشتر با درجه تحصیلی جایگزین می‌شود؛ بنابراین، تأکید بیشتری باید بر نابرابری آموزشی در مرحله اول اعمال شود.

۲- مؤلفه فرایندی: این مؤلفه خود دارای شاخص‌های است که از ترکیب مصاحبه نیمه ساختاریافته، هم‌چنین مرور نظام‌مند و بررسی اسناد، مدارک علمی، مقالات و منابع حاصل شده است از جمله این شاخص‌های شامل: جو انضباطی (ادراک دانش آموز از جو انضباطی مدرسه)، ارتباط (ادراک دانش آموز از نحوه برقراری تعامل و ارتباط معلم با دانش آموزان)، ادراک عدالت (عدم تبعیض، میزان توجه معلم به دانش آموزان)، کمیت آموزش دریافتی (کارآمدی معلم) (به کارگیری نحوه تدریس و انجام فعالیت‌های یاددهی مناسب)، حمایت (ادراک دانش آموز از حمایت از سوی معلم) و انتظارات (ادراک دانش آموز از برخورد عادلانه در مدرسه و نابرابری‌ها در انتظار تحصیل) است که مصادیق مطرح شده در شاخص درون‌داد مرتبط با نابرابری آموزشی در آثار و تحقیقات بسیاری از صاحب‌نظران از جمله؛ یزدانی و همکاران (۱۳۹۲)، اسدی (۱۳۹۲)، امان پور و همکاران (۱۳۹۰)، قاسمی و همکاران (۱۳۹۰)، کاکا دزفولی و همکاران (۱۳۹۵)، اکبری (۱۳۹۴)، Gabriele و همکاران (2014)، Junchao Tang (2016)، Ethan Hutt (2018)، تسفای و مالبریچ (۲۰۱۴)، دانیل هورن (۲۰۱۰)، ویندهام (۱۹۸۰) نش (۲۰۰۰)، مورد تأکید است.

در این ارتباط؛ یافته‌ها قاسمی و همکاران (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که بیشترین نابرابری فرصت‌های آموزشی در بعد مدرسه وجود داشته و سپس ابعاد محله و خانواده قرار می‌گیرند.

Ethan Hutt (2018)، بیان می‌کند یک نگرانی جدید برای بی‌عدالتی آموزشی به‌عنوان تفاوت در شانس‌های جمعی دانشجویان فردی ارائه می‌دهد. اگرچه این تلاش‌های اولیه برای ارائه قول برای شناسایی رابطه دقیق بین خصوصیات مدرسه قابل‌شناسایی و نتایج مدرسه ناموفق بودند، قابلیت دوام کلی این تکنیک‌ها را نشان دادند و مسیر را به‌سوی مرز جدید تحقیقات نشان دادند.

۳- مؤلفه زمینه خانوادگی: این مؤلفه خود دارای شاخص‌های است که از ترکیب مصاحبه نیمه ساختاریافته، هم‌چنین مرور نظام‌مند و بررسی اسناد، مدارک علمی، مقالات و منابع حاصل شده است. ازجمله این شاخص‌های شامل؛ وضعیت اجتماعی (جایگاه اجتماعی خانواده)، وضعیت اقتصادی (درآمد خانواده، هزینه‌ها)، وضعیت تحصیلی والدین (میزان سواد پدر و مادر و اعضای خانواده)، سرمایه فرهنگی (توجه به آداب و رسوم، بناهای تاریخی، گردشگری)، ساختار خانواده (تعداد اعضای خانواده، روابط خانواده)، حساسیت تحصیلی (میزان توجه به وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان) و آرزوی تحصیلی دانش‌آموزان و والدین (حساسیت به داشتن مدارک علمی بالا توسط خانواده) است که مصادیق مطرح‌شده در زمینه خانوادگی مرتبط با نابرابری آموزشی در آثار و تحقیقات بسیاری از صاحب‌نظران ازجمله؛ صابری و نصرالهی (۱۳۹۶)، نظم‌فر و علی‌بخشی (۱۳۹۳)، اسدی (۱۳۹۲)، قاسمی و همکاران (۱۳۹۰)، موسوی و همکاران (۱۳۹۰)، اکبری (۱۳۹۴) یزدانی و همکاران (۱۳۹۲)، آتشک (۱۳۸۸)، Ethan Hutt (2018) و Hoffmann (2016) و همکاران (2016)، گابریل و همکاران (۲۰۱۴)، ایال‌هایم و یوسی شاویت (۲۰۱۳)، کورتلیا و هارت موت (۲۰۱۳)، ورو نیکا ای و ماتینز کانتو (۲۰۰۷)، Junchao Tang (2016)، تسفای و مالبریج (۲۰۱۴)، ایال‌هایم و یوسی شاویت (۲۰۱۳)، یو سو (۲۰۰۶)، نش (۲۰۰۰)، مورد تأکید است.

دراین‌ارتباط؛ قاسمی و همکاران (۱۳۹۰)، در بخشی از یافته‌های خود بیان می‌دارد که بیشترین نابرابری فرصت‌های آموزشی در بعد مدرسه وجود داشته و سپس در ابعاد محله و خانواده قرار می‌گیرند. اسدی (۱۳۹۲)، معتقد است عوامل زمینه‌ای، عوامل شخصی و عوامل محیطی بر آرزوهای تحصیلی اثر مستقیم دارد و همچنین بیان می‌کند که آرزوهای تحصیلی بر پیشرفت تحصیلی اثر مستقیم و معنی‌داری دارد. Brein و همکاران (2009) نشان دادند که کاهش مشخص و واضحی در نابرابری‌های آموزشی در چندین کشور در قرن بیست و یکم وجود دارد. تأثیرات طبقه خانوادگی در عبور دانش‌آموز از مقطع ابتدایی به راهنمایی

و متوسطه کمتر شده اما این تأثیر در عبور به تحصیلات عالی‌تر تغییر چندانی نکرده است. Yu و همکاران (2006)، نشان می‌دهد که شمار افراد خانواده، فاصله‌ی سنی خواهران و برادران و برتری جنسی پسر نسبت به دختر از عوامل نابرابری آموزشی محسوب می‌شود. همچنین باورهای ابعاد جنسیتی پذیرفته‌شده به وسیله‌ی پدر و مادر، نقشی به سزا در نابرابری آموزشی فرزندان دختر دارد.

۴- مؤلفه برون‌داد: این مؤلفه خود دارای ۲ شاخص است که از ترکیب مصاحبه نیمه ساختاریافته، هم‌چنین مرور نظام‌مند و بررسی اسناد، مدارک علمی، مقالات و منابع حاصل شده است از جمله این شاخص‌های شامل؛ الف: برون‌دادهای شناختی: این مؤلفه شامل؛ پوشش تحصیلی، معدل دروس نهایی، پیشرفت تحصیلی، درصد قبولی در کنکور و نرخ ارتقاء پایه است. مصادیق مطرح‌شده در زمینه برون‌دادهای شناختی مرتبط با نابرابری آموزشی در آثار و تحقیقات بسیاری از صاحب‌نظران از جمله؛ کاکا دزفولی و همکاران (۱۳۹۵)، اکبری (۱۳۹۴)، یزدانی و همکاران (۱۳۹۲)، موسوی و همکاران (۱۳۹۰)، نظم‌فر و علی‌بخشی (۱۳۹۳)، امان‌پور و همکاران (۱۳۹۰)، رولستن و همکاران (۲۰۱۳)، زنگ و همکاران (۲۰۱۳)، هورن (۲۰۱۰)، مورد تأکید است؛ و نیز ب: برون‌دادهای غیرشناختی: این مؤلفه شامل؛ تعلق به مدرسه، انگیزش نسبت به مدرسه، خودپنداره تحصیلی، رشد اعتقادی و مقام‌های ورزشی، فرهنگی و علمی است که مصادیق مطرح‌شده در برون‌دادهای غیرشناختی مرتبط با نابرابری آموزشی در آثار و تحقیقات بسیاری از صاحب‌نظران از جمله؛ نظم‌فر و علی‌بخشی (۱۳۹۳)، یزدانی و همکاران (۱۳۹۲)، موسوی و همکاران (۱۳۹۰)، امان‌پور و همکاران (۱۳۹۰)، اکبری (۱۳۹۴)، سفای و مالبریج (۲۰۱۴)، زنگ و همکاران (۲۰۱۳)، رولستن و همکاران (۲۰۱۳)، ویندهام (۱۹۸۰)، نش (۲۰۰۰)، ویندهام (۱۹۸۰)، گابریل و همکاران (۲۰۱۴)، مورد تأکید است.

۵- مؤلفه زمینه فردی نابرابری: این مؤلفه دارای شاخص‌های است که از ترکیب مصاحبه نیمه ساختاریافته، هم‌چنین مرور نظام‌مند و بررسی اسناد، مدارک علمی، مقالات و منابع حاصل شده است از جمله این شاخص‌های شامل: پیامدهای فردی آموزش و پرورش (مزایای اقتصادی آموزش و پرورش برای فرد و مزایای اجتماعی آموزش و پرورش)، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی (نابرابری در درآمد و فقر، نابرابری‌های امنیت اقتصادی و اجتماعی)، منابع فرهنگی (سطح تحصیلات بزرگ‌سالان، منابع فرهنگی و کارهای فرهنگی دانش

آموزان) و آرزوها و ادراکات (آرزوهای شغلی دانش آموزان، معیارهای دانش آموزان از انصاف، عقاید کلی دانش آموزان درباره انصاف و آرزوی تحصیلی دانش آموزان) است که در این خصوص مصادیق مطرح‌شده در زمینه فردی نابرابری مرتبط با نابرابری آموزشی در آثار و تحقیقات بسیاری از صاحب‌نظران از جمله؛ یزدانی و همکاران (۱۳۹۲)، اسدی (۱۳۹۲)، قاسمی و همکاران (۱۳۹۰)، زنگ و همکاران (۲۰۱۳)، نش (۲۰۰۰)، مورد تأکید است. در این ارتباط؛ نوغانی (۱۳۸۱) بدین نتیجه رسیده است که «بعد از سرمایه فرهنگی، سرمایه اقتصادی خانواده بیشترین سهم را در آزمون سراسری دانشگاه‌ها (نمره و احتمال قبولی) داشته است». به عبارتی سرمایه فرهنگی و سپس سرمایه اقتصادی خانواده بالاترین تأثیر را در میزان ورود داوطلبان به دانشگاه بر جای می‌گذارد.

۶- مؤلفه تأثیرات اجتماعی و سیاسی نابرابری‌ها در آموزش و پرورش: این مؤلفه دارای شاخص‌های است که از ترکیب مصاحبه نیمه ساختاریافته، هم‌چنین مرور نظام‌مند و بررسی اسناد، مدارک علمی، مقالات و منابع حاصل شده است از جمله این شاخص‌های شامل: آموزش و پرورش و تحرک اجتماعی (موفقیت شغلی با سطح تحصیلات و تأثیر ریشه اجتماعی بر وضعیت شغلی)، مزایای آموزش برای محرومان (سهم تحصیل‌کرده‌ترین تا فقیرترین)، تأثیرات جمعی نابرابری‌ها (قضاوت دانش آموزان درباره برابری سیستم‌های آموزشی، انتظارات دانش آموزان از سیستم‌های آموزشی، انتظارات دانش آموزان از سیستم‌های آموزشی، احساس دانش آموزان درباره عدالت در سیستم‌های آموزشی و تحمل) و وضعیت اجتماعی خانواده‌ها (جایگاه اجتماعی خانواده) است که مصادیق مطرح‌شده در زمینه فردی نابرابری مرتبط با نابرابری آموزشی در آثار و تحقیقات بسیاری از صاحب‌نظران از جمله؛ ورونیکا ای و مارتینز کانتو (۲۰۰۷) مورد تأکید است. در این ارتباط؛ ورونیکا ای و مارتینز کانتو (۲۰۰۷) معتقدند پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانش آموزان مهم‌ترین تأثیر را بر عملکرد مدرسه دارد.

۷- مؤلفه شاخص‌های جغرافیایی: این مؤلفه دارای شاخص‌های است که از ترکیب مصاحبه نیمه ساختاریافته، هم‌چنین مرور نظام‌مند و بررسی اسناد، مدارک علمی، مقالات و منابع حاصل شده است از جمله این شاخص‌های محل زندگی افراد است. در این ارتباط محقق هیچ تحقیقی را چه در داخل کشور و چه خارج کشور نیافت. هم‌چنین بررسی اولویت‌بندی شاخص‌های نابرابری آموزشی در مدارس دوره ابتدایی شهر تهران برابر تحلیل محتوای کیفی

مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۱۴ نفر از متخصصین حوزه آموزش و کارشناسان و محققینی که حوزه فعالیت پژوهشی‌شان بحث عدالت آموزشی و نابرابری آموزشی بود، نشان‌دهنده این امر بود که بر اساس مضامین استخراج‌شده از مصاحبه‌ها مهم‌ترین و موثرترین شاخص‌ها بر بحث نابرابری آموزشی به ترتیب عبارت‌اند از: شاخص اقتصادی (ترکیبی از تحصیلات، شاخص شغل و درآمد والدین)، شاخص امکانات و فضای آموزشی، شاخص وضعیت اجتماعی خانواده‌ها، شاخص‌های جغرافیایی، شاخص میزان دسترسی و میزان بهره‌مندی از آموزش، شاخص منابع انسانی (معلمان خوب)، شاخص سرمایه فرهنگی خانواده، شاخص آرزوی تحصیلی دانش‌آموزان، شاخص جمعیت کم خانواده، شاخص مدیریت مدرسه، شاخص انتظارات و آرزوهای والدین، شاخص وضعیت تحصیلی والدین، پیشرفت تحصیلی، شاخص وضعیت قبولی دانش‌آموزان در مدارس نمونه، شاخص مقام‌های ورزشی، شاخص فرهنگی و علمی، شاخص رسیدگی متولیان آموزشی، شاخص آموزشی تبارگرایی، شاخص میزان توجه معلم به دانش‌آموزان و شاخص توجه به کیفیت آموزشی.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

سپاسگزاری

بر خود لازم می‌دانم از تمامی کسانی که در این مسیر به بنده کمک فکری نموده و در پربار نمودن رساله و مقاله سهمی داشته‌اند کمال تشکر را به عمل می‌آورم.

منابع

اسدی، راضیه. (۱۳۹۲). مدل‌سازی ساختاری تأثیر آرزوهای تحصیلی بر نابرابری آموزشی در بین دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع پیش‌دانشگاهی ناحیه ۱ و ۲ ارومیه. *مجله روانشناسی مدرسه*، ۳(۴)، ۳۷-۵۰.

اکبری، محمود. (۱۳۹۴). تحلیل فضایی شاخص‌های توسعه‌ی آموزشی در مناطق شهری و روستایی کهگیلویه و بویراحمد. *فصلنامه‌ی جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای*، ۱۵، ۶۹-

اسماعیل سرخ، جعفر (۱۳۸۶). نابرابری‌های آموزشی و نابرابری‌های فضایی در بعد قومی و منطقه‌ای (مطالعه موردی دوره ابتدایی استان آذربایجان غربی در سال تحصیلی ۸۱ - ۱۳۸۰). فصلنامه تعلیم و تربیت. ۲۳(۳)، ۱۰۳-۱۲۴.

پورپاکی، آذر (۱۳۹۳) بررسی رویکردهای نوین در نظام آموزش و پرورش پویا و مؤثر، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش به نقل از نشریه نگاه وزارت آموزش و پرورش، هفته اول، آذرماه ۱۳۸۷.

رافتی، رضا (۱۳۹۷). الگوی ساختاری نابرابری آموزشی در مناطق آموزشی شهر مشهد. فصلنامه علمی ترویجی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۶(۱)، ۷۱-۱۰۰.

صابری، حمید و نصرالهی نیا، اعظم (۱۳۹۶). ارزیابی توسعه‌ی آموزشی شهرستان‌های استان ایلام با استفاده از مقایسه مدل‌های چندشاخصه. فصلنامه‌ی پژوهش‌های مکانی فضایی، ۲، ۵۱-۶۵.

فلاحی، کیومرث (۱۳۸۸). بررسی جایگاه انتخاب و تربیت معلم در ساختار تشکیلاتی وزارت آموزش و پرورش. پژوهشگاه مطالعات وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت.

قاسمی اردهایی، علی، حیدرآبادی، ابوالقاسم و رستمی، نیر (۱۳۹۰)، زمینه‌های خانوادگی نابرابری فرصت‌های آموزشی: مطالعه موردی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اهر. مجله تخصصی جامعه‌شناسی، ۱(۱)، ۱۲۵-۱۴۰.

کاکادزفولی، امین؛ کاکادزفولی، انیس و عبدالهی، علی اصغر (۱۳۹۵). تبیین و ارزیابی توسعه‌ی آموزشی در شهرستان‌های استان کرمان. فصلنامه‌ی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۱(۳۵)، ۸۳-۹۹.

موسوی، میرنجف و حسینی، محمد (۱۳۹۰). سنجش درجه توسعه‌یافتگی و محرومیت مناطق آموزش و پرورش استان آذربایجان غربی. گزارش نهایی طرح تحقیقاتی. دانشگاه ارومیه.

نظم فر، حسین و علی بخشی، آمنه (۱۳۹۳). سنجش نابرابری فضایی در برخورداری از شاخص‌های آموزشی با استفاده از روش تاپسیس (مطالعه موردی: استان خوزستان). دو فصلنامه‌ی مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، ۳(۶)، ۱۱۵-۱۳۴.

یزدانی، محمدحسن؛ غفاری گیلانده، عطا و علیزاده، یوسف (۱۳۹۲). بررسی و رتبه‌بندی توسعه‌ی آموزشی نواحی نوزده‌گانه آموزش و پرورش استان اردبیل. دو فصلنامه‌ی مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، ۲(۴)، ۳۷-۶۶.

References

- Akbari, M (2014). Spatial analysis of educational development indicators in urban and rural areas of Kohkiluyeh and Boyer Ahmad. *Quarterly Journal of Geography and Urban-Regional Studies*, No. 15:69-84 [In Persian]
- Asadi, R (2012). Structural modeling of the effect of educational aspirations on educational inequality among male and female pre-university students in districts 1 and 2 of Urmia. *Journal of School Psychology*, Volume 3, Number 50 [In Persian]
- Boswell, C., & Cannon, S. (2007). *Introduction to nursing research, incorporating evidence based practice*. Sudbury, Jons and Barlet, 2007.
- Brooks R.C.(2011), Are Schools the Great (Noncognitive Skills) Equalizer? Thesis Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Master of Arts in the Graduate School of The Ohio State University, Graduate Program in Sociology, The Ohio State University.
- Creswell-John, W. (2012). *Research Design: Qualitative, Quantitative and Mixed Method Approaches*, 3rd ed. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Ethan Hutt (2018). Taking the Long View: Longitudinal Surveys and the Construction of Educational Inequality in America. *Springer International Publishing AG., Educational Research: Ethics, Social Justice, and Funding Dynamics*, Educational Research (2018) 10, https://doi.org/10.1007/978-3-319-73921-2_9
- Falahi, K (2008). Investigating the position of teacher selection and training in the organizational structure of the Ministry of Education. Ministry of Education Research Institute, Research Institute of Education. [In Persian]
- Foster, p. and Gomm, r. and Hammersley, M.(2005). *Constructing educational inequality: an assessment of research on school process*, Flamer Press. London. Washington. D.C.
- Francis, B., Hodgen, J., Craig, N., Taylor, B., Archer, L., Mazenod, A., ... & Connolly, P. (2019). Teacher 'quality' and attainment grouping: The role of within-school teacher deployment in social and educational inequality. *Teaching and Teacher Education*, 77, 183-192.
- Gabriele B, Nazareno, P, Moris T (2014). "School expansion and uneven modernization. Comparing educational inequality in Northern and Southern Italy". *Research in Social Stratification and Mobility* 36 (2014) 69–86
- Ghasemi A, Ali, H, and Rostami, N (2013), family contexts of inequality of educational opportunities: a case study of secondary school female students in Ahar city, *specialized journal of sociology*, first year, first issue, pp. 140-125. [In Persian]
- Gwet, K. L. (2014). *Handbook of inter-rater reliability: The definitive guide to measuring the extent of agreement among raters*. Advanced Analytics, LLC.
- Hoffmann R, Hu Y, de Gelder R, Menvielle G, Bopp M, Mackenbach JP.(2016). The impact of increasing income inequalities on educational inequalities in mortality - An analysis of six European countries. *International Journal Equity Health*. 8;15(1):103.
- Horn, D. (2010). *Essays on educational institutions and inequality of opportunity*, Doctoral Dissertation Submitted to the Central European University in partial fulfillment of the requirements for the Degree of Doctor of Philosophy.
- Ismail Sorkh, J (2006). Educational inequalities and spatial inequalities in the ethnic and regional dimensions (a case study of the elementary course of West Azerbaijan Province in the academic year 2000-2001). *Education and training quarterly*. The twenty-third year. Number 3. [In Persian]

- Junchao Tang (2016). "Lost at the starting line": a reconsideration of educational inequality in China, 1978–2008. *Tang The Journal of Chinese Sociology* (2016) 3:8
- Kakadzfouli, A and Abdulahi, A. A. (2015). Explanation and evaluation of educational development in the cities of Kerman province. *Quarterly Journal of Human Settlements Planning Studies*, 11th Volume, Number 35: 83-99. [In Persian]
- Mousavi, M and Hasani, M (2013). Measuring the degree of development and deprivation of educational areas of West Azerbaijan province. The final report of the research project. Urmia University. [In Persian]
- Nazmfar, H and Ali Bakshi, A (2014). Measuring the spatial inequality in having educational indicators using the TOPSIS method (case study: Khuzestan province) *bi-quarterly journal of educational planning studies*, third year, number 6, pp. 115-134. [In Persian]
- Nouri, A and Mehromhamadi, M (2018). A model for using the data-driven theory method in educational research. *Iranian Curriculum Studies Quarterly*, 6(23). 8-35. [In Persian]
- PISA (2003) [OCDE]. http://pisaweb.acer.edu.au/oecd/oecd_pisa_data_s1.html.
- Pourpaki, A (2013) Examining new approaches in the dynamic and effective education system, Research Institute of Education Studies, quoted from the Ministry of Education's Negah magazine, first week, December 2014. [In Persian]
- Rafati, R (2017). The structural pattern of educational inequality in the educational areas of Mashhad. *Quarterly scientific journal of educational sciences from the perspective of Islam*. Spring and summer 97. Sixth year. number 10 [In Persian]
- Rasmus Hoffmann, Yannan Hu, Rianne de Gelder, Gwenn Menvielle, Matthias Bopp and Johan P. Mackenbach (2016). The impact of increasing income inequalities on educational inequalities in mortality - An analysis of six European countries. *International Journal for Equity in Health* (2016) 15:103
- Rawls, J. (2015). *A Theory of Justice*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Saberi, H, Nasralahinia, A (2016). Evaluating the educational development of the cities of Ilam province using the comparison of multi-indicator models. *Spatial-Spatial Research Quarterly*, No. 2: 51-65: [In Persian]
- Samons.p (2010). *school effectiveness and equity: making connection*, CFBT, education trust.
- Speziale, H. S., Streubert, H. J., & Carpenter, D. R. (2011). *Qualitative research in nursing: Advancing the humanistic imperative*. Lippincott Williams & Wilkins.
- Yang Hansen, K., & Strietholt, R. (2018). Does schooling actually perpetuate educational inequality in mathematics performance? A validity question on the measures of opportunity to learn in PISA. *ZDM*, 50, 643-658.
- Yazdani, M. H; Ghafari G, and Alizadeh, Y (2012). Review and ranking of educational development of nineteen educational districts of Ardabil province. *Bi-quarterly journal of educational planning studies*, second term, number 4, pp. 37-66. [In Persian]
- Yu, Wei-hsin, and Kuo-hsien Su (2006), "Gender, sibship, structure, and educational inequality in Taiwan: son Preference Revisited", *Journal of Marriage and Family*, No (68).